

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»

سودای غربت

چه سخت است در ملک اغیار بودن
غریب و دل افگار و بیمار بودن
به پا ، نیش خار حقارت خلیدن
چنان زار بودن ، چنین خوار بودن
به ادبار ، بار مذلت کشیدن
به دوش همه دوستان بار بودن
ز اوج سعادت فرو افتادن
به کنج مصیبت نگویند بودن
زهر زخم چشمی به دل تیر خوردن
به هر گوشه در آستین مار بودن
به هر محفلی خویش را کم شمردن
به هر دیده بی قدر و مقدار بودن
به دل داشتن محنت تنگدستی
به سودای عالم گرفتار بودن
سخن های پائین و بالا شنیدن
چو لرزنده شمشاد ، بی بار بودن
زهر رنگ گل بارها خار خوردن
به چشمان همسایگان خار بودن
نه آزاد گفتن ، نه دلشاد خفتن
نه در خواب بودن ، نه بیدار بودن
درین ملک سودا و سواس کم نیست
دچار چنین رنج بسیار بودن
ترا تا ببینند دیوانه خوانند
چه لازم درین ملک هشیار بودن
به بازار مکارگان پا نهادن
به ناچار آنجا خریدار بودن
به سر ، تا به قعر غم و درد رفتن
به امید روز قرحبار بودن
عزیزان خود مفت از دست دادن
درین حسرت ، آزرده و زار بودن
چنین است آرزوی های غربت
که بی پا و سر بر سر دار بودن
چه خوب است با اینهمه نامرادی
بهم دوست بودن ، بهم یار بودن

«اسیر» این نصیحت بیاران ضرورست

وطندار خود را مددگار بودن

(بن – المان ، جنوری 1999 م)